Archive of SID

زبان و ادب فارسی
نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و
علوم انسانی دانشگاه تبریز
سال ۵۰، بهار و تابستان ۸۶
شمارهٔ مسلسل ۲۰۱

متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی*

دکتر حسین حسن‌پورآلاشتی**
محمدعلی باغبان***

چکیده

متناقض‌نمایی، در حقیقت یک امکان زبانی است برای برجسته‌سازی که به جهت شکستن هنجار زبان و عادت‌ستیزی موجب شگفتی و در نتیجه التذاذ هنری می‌شود. متناقض‌نمایی با تضاد (طباق) متفاوت است. از این جهت زیبایی‌آفرین است که موجب آشنایی‌زدایی، ابهام، دو بعدی بودن، برجستگی معنا و ایجاز در کلام می‌شود. این شگرد زبانی، کم و بیش در تمام دوره‌های ادب فارسی مشاهده می‌شود و عواملی چون تحول تکاملی ادبیات از سادگی به ژرفایی و آمیختگی عرفان با ادب فارسی در پیدایش و گسترش آن نقش داشته‌اند. عناصر متناقض‌نما به صورت ترکیب یا تصویر پارادوکسی و جمله یا بیان پارادوکسی به کار می‌روند. در این مقاله، متناقض‌نمایی در دو مقولهٔ ساختمان متناقض‌نمایی و حوزه‌های شکل‌گیری آن در قصاید خاقانی مورد بررسی قرار گرفته است. ساختمان متناقض‌نمایی (صور مختلف متناقض‌نمایی از نظر عناصر دستوری) در قصاید خاقانی به سه صورت می‌باشد که عبارتند از الف) متناقض‌نمایی به صورت ترکیب ب) متناقض‌نمایی میان عناصر یک جمله ج) متناقض‌نمایی میان دو جمله.

متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی در حوزه‌هایی چون اغراق، استعاره، عناصر زبانی و تشبیه شکل گرفته است.

کلید واژه‌ها : خاقانی، قصیده، متناقض‌نمایی، تصویر پارادوکسی، بیان پارادوکسی، ساختمان متناقض‌نمایی

---

*- تاریخ وصول: ۸۶/۰۳/۹ تأیید نهایی: ۸۶/۹/۲۱

**- استادیار دانشگاه مازندران

***- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

متناقض‌نمایی، در حقیقت یک امکان زبانی است برای برجسته‌سازی که به جهت شکستن هنجار زبان و عادت‌ستیزی، موجب تعجب و شگفتی خواننده و در نتیجه التذاذ هنری می‌شود.

این شگرد بیانی، موجب غرابت زبان، آشنایی‌زدایی، دو بعدی بودن کلام، ابهام، ایجازو برجسته شدن‌معنی می‌شود؛ لذا می‌توان‌آن رایکی ازصنایع معنوی «بدیع» به شمار آوردکه هم‌ارزش بلاغی و زیبایی‌شناختی دارد و هم در خدمت تصویرسازی قرار می‌گیرد.

این شگرد بیانی از آغاز در شعر فارسی به کار می‌رفته است. اما در شعر قرن ششم بر اثر ورود مضامین عرفانی و تجارب روحانی رواج پیدا کرد. به عبارتی با ظهور سنایی و ورود عرفان در شعر فارسی سخنان متناقض‌نما به وفور در اشعار شاعران یافت می‌شود. پس از سنایی شاعرانی چون انوری، خاقانی، نظامی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ و شاعران سبک هندی و شعرای معاصر نیز از آن در شعر استفاده کرده‌اند. بنابراین شناخت متناقض‌نمایی در شناساندن اندیشه و زبان شعر شاعران اهمیت دارد و ما را در بررسی آثار شاعران از لحاظ بدیع، سبک شناسی و نقد ادبی کمک می‌کند.

تعریف متناقض‌نمایی

«متناقض‌نمایی» یا «پارادوکس»(Paradox)برگرفته از(Paradoxum) در لاتین است که مرکب از(Para) به معنی متقابل یا «متناقض با» و(doxa) به معنی عقیده ونظر» (چناری،۱۳:۱۳۷٤)و«در لغت به معنی با هم ضد و نقیض‌بودن، ضد یکدیگربودن، ناهمتایی و ناسازی‌است. تناقض در لفظ در صورتی است که یکی از آن دو، امری را اثبات کند و دیگری نفی. تناقض ظاهری در سخنی مصداق دارد که به ظاهر متناقض و ناساز آید اما حقیقت پنهان، در پس این ظاهر متناقض، سبب سازگاری میان طرفین ناسازگار شود» (داد،۱۶۷:۱۳۷۱). در واقع، متناقض‌نما سخنی است«آشکارا متناقض با خود یا ناسازگار با منطق و عقیدهٔ عموم، اما به خلاف مهمل بودن ظاهری، معنا یا حقیقتی در بردارد» (چناری،۱۵۰:۱۳۷۷). همین‌امراست که به سخن خصلت خلاف‌آمد عادت می‌دهد و موجب می‌گرددکه «گوینده در سخن خود، نکته‌ای، مضمونی، تصویری ... بیاورد برخلاف آن چه ذهن در حالت عادی و معمولی به آن خو کرده»(راستگو،۲۹:۱۳٦۸) است. با توجه به

www.SID.ir

Archive of SID

تعاریف بالا پارادوکس واجد چند ویژگی است: بیانی که ظاهراً متناقض با خود یا مهمل است؛ دو امر متضاد را جمع می‌کند؛ در اصل دارای حقیقتی است؛ از راه تفسیر یا تأویل می‌توان به آن حقیقت دست یافت(چناری،۱۹:۱۳۷۷)؛ بنابراین، پارادوکس بیانی ظاهراً متناقض با خود یا مهمل است که دو امر متضاد (نه ضرورتاً تضاد منطقی بلکه هر نوع نسبت ناسازگاری میان دو چیز) را جمع کرده باشد؛ اما در اصل دارای حقیقتی باشد که بتوان از راه تفسیر یا تأویل به آن دست یافت(همان).

روشن است که متناقض‌نمایی با تضاد متفاوت است. بدین‌گونه که در صنعت تضاد، دو کلمه یا عبارت که ضد یا مقابل یکدیگر هستند، درگزاره‌ای به کار می‌روند، بدون این که دو حکم متضاد با هم به وجود بیاورند؛ ولی در متناقض‌نمایی، تقابل و تضاد کلمات فی‌نفسه مطرح نیست بلکه معنی حاصل از ترکیب کلام و عبارت تعیین‌کننده است(همان)؛ به عبارتی دیگر، در تضاد، عنا صری که در یک بیت به‌کار می‌رود هیچ آمیزش و ارتباطی با یکدیگر ندارند و واژه‌ها به صورت عادی و معمولی و بدون هیچ شرطی در سخن، راه می‌یابند و چون معمولی و عادی هستند از تعجب‌انگیزی و در نتیجه، توجه‌انگیزی بهرهٔ چندانی ندارند. و چون پراکنده و بی‌شرطی خاص در سخن می‌آیند، بدیع و تازه نیز نیستند و جز لطف تناسب، که معلول همخوانی و تداعی معانی است، ظاهراً لطف هنری دیگری ندارند. ولی در متناقض‌نمایی، مفاهیم متضاد که در حالت عادی از هم می‌گریزند، به‌گونه‌ای هنرمندانه با هم می‌آمیزند و از آمیزش آن‌ها، معنای تازه‌ای ایجاد می‌شود که موجب ارزش هنری و زیبایی‌شناسی می‌شود (راستگو،۲۹:۱۳٦۸).

برای مثال، اگر صفت‌های خشک و تر، در کلام ادبی بیایند، سخن دارای صنعت تضاد (طباق) است و اگر هر دو با هم به یک شیء نسبت داده شوند پارادوکس. بنابراین، در پارادوکس نسبت دادن دو صفت متضاد به یک شیء به طور همزمان تعیین کننده است، نه صرف ایراد صفات متضاد مثلاً ترکیب خشک‌تر:

در ساغر آن صهبا نگر در کشتی آن دریا نگر بر خشک‌تر، صحرانگر، کشتی به رفتار آمده

(خاقانی، دیوان: ۳۸۹)

پارادوکس است؛ اما کاربرد کلمات *سپید و سیاه* در بیت زیر نمونه‌ای از تضاد(طباق) است نه متناقض‌نما :

دیده دارد سپید، بخت سیاه آن سپید آفت سیاه سراست

(خاقانی ،دیوان : ٦۲)

www.SID.ir

Archive of SID

اهمیت متناقض‌نمایی و کارکرد هنری آن

یکی از خصایص مهم متناقض‌نماها، داشتن صورت ایجازی در تصاویر، همراه با توانایی قابل توجه در بیان مفاهیم است. نقش تناقض، دادن کثرت معنوی به شعر است و هر شعری که از این جنبه برخوردار باشد، غنی‌تر محسوب می‌شود. ممکن است شعری دارای استعاره‌ها و اشاره‌های زیبا و فراوانی باشد، اما دارای کثرت معنی نباشد؛ یعنی، برداشت هر خواننده یا شنونده از آن شعر، همانند برداشت دیگران باشد. شاید بدین جهت است که *کلینت بروکس* زبان شعر را تناقض می‌نامد(مقدادی،۱۳۷۸:۱۷۹).

متناقض‌نمایی یکی از ترفندهای بسیار مهم در شعر و ادب است و به‌ویژه در نقد نوین آن را از ویژگی‌های اساسی شعر به شمار می‌آورند. چنانکه یکی از منتقدان معاصر گفته است: حتی شاعر به ظاهر ساده‌گو و صریح، ناگزیر بر اثر ماهیت ابزار کار خود به جانب تناقض رانده می‌شود(دیچز،۱۳٦٦:۲۵٦).

کارکردهای زیباشناختی پارادوکس متعدد است؛ از جمله موجب آشنایی‌زدایی، برجسته شدن معنی، ایجاز، دوبعدی بودن و ابهام معنایی می‌گردد. شاعر با بهره‌گیری از پارادوکس، زبان عادی و فرسوده را به کلامی شگفت‌انگیز و غریب تبدیل می‌کند و زبان برجستگی می‌یابد. در این‌صورت نه‌تنها لفظ، برجسته و توجه‌انگیز می‌شود بلکه معنی نیز اعتلا پیدا می‌کند. هم‌چنین ایجاز حاصل از آن موجب کثرت معنا می‌گردد و زبان دو بعدی می‌شود که بی‌تردید دو بعدی بودن ودو منظره ارائه دادن شگفت‌انگیز بوده، موجب زیبایی می‌شود و در نهایت ابهامی که ایجاد می‌شود. ذهن برای کشف این ابهام، به تکاپو و جستجو می‌افتد و با تلاش به راز و رمز سخن متناقض، یعنی، حقیقتی که در آن نهفته است، پی‌می‌برد و التذاذ ادبی بیشتری می‌یابد (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸). گویی خواننده در نگاه اول با مطلبی بی‌معنی و خلاف عقل مواجه می‌شود در نتیجه در آن سخن تأمل بیشتری می‌کند. این تأمل‌انگیزی که احتمالاً به کشف معنی سخن نیز منجر می‌شود، سبب احساس زیبایی‌شناختی و لذت خواننده خواهد شد (چناری،۱۳۷۷:۲۲). مضافاً این که شاعر به کمک این شگرد بیانی، مضمون ادعایی (کذب شعری) می‌آفریند و با گریز از منطق حاکم بر هستی به آفرینش جهانی دیگر دست می‌یازد. یعنی،همان جهان مطلوب و تخیلی که در قلمرو نظام علیت، امکان وجود آن میسر نمی‌باشد، در شعر ساخته می‌شود(دیچز،۱۳٦٦:۲۵٦).

www.SID.ir

Archive of SID

عوامل پیدایش و گسترش مضامین پارادوکسی

در حقیقت، آن‌چه سبب پیدایی بیان و تصاویر پارادوکسی در شعر شاعران می‌شود یا خیال پیچیدهٔ شاعر است؛ مثلاً خاقانی و شعرای سبک هندی، یا آتش سوزندهٔ درونی او؛ مثلاً مولوی و برخی شاعران عارف دیگر. به تعبیر دیگر، گسترش تصاویر و مضامین پارادوکسی یا از رهگذر تحول تکاملی ادبیات از سادگی به ژرفایی و توجه به مضمون-آفرینی شکل می‌گیرد یا از رهگذرآمیختگی عرفان با ادب فارسی.

نمونه‌هایی از بیان پارادوکسی کم وبیش در تمام ادوار ادب فارسی یافت می‌شود. چنانکه گاه در دوره‌های آغازین آفرینش شعری، نمونه‌های اندکی از تصاویر ساده و کم-رنگ هنری پارادوکسی در اشعار رودکی، کسایی و دقیقی قابل مشاهده است اما با تحول و تکامل جریان شعری در دوره‌های بعد، کاربرد و استفاده از آن گسترده‌تر، هنری‌تر و توأم با پیچیدگی فراوان می‌گردد(راستگو،۱۳۷۷:۲۹). یعنی درواقع، به هر نسبت که شعر از عوامل پیچیدهٔ احساس و تجربه‌های ذهنی شاعر مایه گیرد بیان او نیز دشوارتر و پیچیده‌تر می‌گردد. به همین سبب در اشعار دورهٔ آغازین ادبیات فارسی، کمتر با این نوع از بیان مواجه می‌شویم؛ زیرا ادراک شاعران آن دوره فراتر ازمرز دریافت‌های بسیط و نگرش‌های ساده به طبیعت نبوده است. اما در جریان گسترش احساسات عمیق و ژرف و نیز باریک-اندیشی‌های شاعرانه ـ بخصوص شاعران سبک هندی ـ بیان و تصاویر پارادوکسی فراوان گسترش یافته است(فتوحی،۱۳۷۹:۱۲۲-۱۲۱).

شمار فراوانی از تصاویر پارادوکسی که در شعر و ادب ما، مکرر به کار رفته‌اند، در توجیه و بیان بینش‌های عرفانی یا در پیوند با آن بوده‌اند. زیرا بینش‌های عرفانی و باورهای صوفیانه، همه در فضایی فراتر از آن چه عرف و عقل می‌شناسد قرار دارند(راستگو،۱۳۷۷:۲۹). به‌نظر می‌رسد بنیادی‌ترین دلیل وجود کلام متناقض‌نما در آثار عرفا، ویژگی «بیان‌ناپذیری تجربه‌های عرفانی» است. تقریباً همهٔ عرفایی که گفتار پارادوکسی دارند خود، نیز بارها با آگاهی از کلام متناقض‌نمای خود به بیان‌ناپذیری آن اشاره کرده‌اند(حسن‌لی،۱۳۷۷:٤۱). متناقض‌نماهای موجود در اشعار سنایی، عطار، مولوی و حافظ در این حوزه، شکل گرفته‌اند. به عبارت دیگر، متناقض‌نمایی موجود در اشعار این شاعران، بیش از هر عاملی متأثر از تجارب عرفانی و روحانی آنهاست.

بنابراین، عوامل ایجاد پارادوکس در شعر شاعران ناشی از دو عامل عمده است که عبارت‌اند از:

www.SID.ir

Archive of SID

بیان‌ناپذیری تجربه‌های عرفانی(مواجید عرفانی): متناقض‌نماهـای موجـود در اشـعار سنایی، عطار، مولوی و حافظ از این دسته‌اند:

برگ بی‌برگی نداری، لاف درویشی مزن رخ چوعیّاران نداری، جان چونامردان مکن
(سنایی، دیوان، ص۳۹۳)

سربرآر، از گلشن تحقیق تا در کوی دین کشتگان زنده بینی انجمن در انجمن
(سنایی، دیوان، ص۳۹۳)

دلی کـز عـشق او دیـوانه گـردد وجـودش با عـدم هـمخانه گـردد
(عطار، دیوان، ص۱۷۹)

خـمش کـردم، زبـان بـستم ولـیکن مـنم گـویای بـی‌گفتار امـشب
(مولوی، کلیات شمس، ص۳٦۷)

اگـرت سـلطنت فـقر ببـخشند ای دل کـمترین ملک تـو از مـاه بود تا ماهی
(حافظ، دیوان، ص٤۸۸)

باریک اندیشی و پیچیدگی خیال: **پارادوکس‌های موجود در اشـعار شـاعران سـبک هندی خصوصاً بیدل و همچنین متناقض‌نماهای موجود در اشعار خاقانی از این دسته‌اند.**

غیر عریانی لباس نیست تا پوشد کسی از خجالت چون صدا در خویش پنهانیم ما
(بیدل، دیوان، ص۸۳)

در این بیت، تنها تقابل عریانی و لباس پوشیدن ایجاد زیبایی نمی‌کند، بلکه «عریـانی را پوشیدن» یک تصویر متناقض هنری است و این «لباس عریانی» از طریق تخیل توانمنـد شاعر ساخته شده است.

با کمال اتحاد از وصل مهجوریم ما همچو ساغر می به لب داریم و مخموریم ما
(بیدل، دیوان، ص۲٤)

آتشین آب از خوی خونین برانم تا به کعب کاسیاسنگ است بر پای زمین پیمای من
(خاقانی، دیوان، ص۳۲۱)

ترکیب «آتشین آب» در بیت فوق، تصویری متناقض‌نماست که شاعر آن را اسـتعاره از اشک چشم به کار برده است. در واقع شاعر، به واسطهٔ طبع پویـا و تخیـل خـود آن را ابداع کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر متناقض‌نما

گاهی عناصرمتناقض‌نما، به صورت ترکیب یا تصویر پارادوکسی می‌آید که معادل (Ox ymoron)می‌باشد؛ نظیر ترکیب «زمزم آتشفشان» در بیت:

آن کعبهٔ محرم‌نشان، آن زمزم آتشفشان در کاخ مه، دامن‌کشان، یک مه به پرواز آمده

(خاقانی، دیوان: ص۳۹۰)

گاهی مفهوم یک جملهٔ پارادوکسی، خلاصه و فشرده و به صورت ترکیبی درمی‌آید که در عین حال حاوی دو مفهوم متناقض است. این ترکیب‌ها اغلب، تصویر خیال‌هایی می‌سازند که در نهایت ظرافت و دقت، از زیبایی فراوان، برخوردار و نشانهٔ وسعت خیال گوینده و احساس بیان‌ناپذیر او هستند. تصویرهایی را که از این ترکیب‌ها حاصل می‌شود، تصویرهای پارادوکسی یا ترکیب‌های پارادوکسی می‌نامند. ترکیب‌هایی نظیر درد بی‌دردی، رنگ بی‌رنگی، خراب آباد و... که بسیاری از آنها، ازآثارشاعران، وارد زبان مردم شده است، نمونه‌هایی از این نوع هستند (میرصادقی،٤٦:١٣٧٦). به تعبیر دیگر، تصاویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن به لحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض می‌کنند؛ مثل سلطنت فقر(شفیعی کدکنی،١٣٧١:٥٤-٥٥). بنابراین، تصویر پارادوکسی عبارت است از ترکیبی که در کاربرد متعارف زبانی، متناقض باشد؛ یعنی، دو مقولهٔ ضد هم و ناساز را در کنار یکدیگر قرار دادن و ترکیبی نو و تازه ساختن، که سبب غنای زبان، زیبایی، طراوت و پویایی سخن می‌شود و تعهد شاعر را که همان ساختن کلمات و عبارات جدید و غنا بخشیدن به زبان است، به مرحلهٔ ظهور می‌رساند. البته صورت ایجازی این تصاویر از اهمیت زیادی برخوردار هستند.

بیان متناقض‌نما

گاهی عناصر متناقض‌نما، به صورت جمله یا بیان پارادوکسی، یکدیگر را نقض می‌کنند؛ یعنی تناقض پنهان خود را در قالب جمله مطرح می‌کنند؛ نظیر این بیت:

چو تبخال، کوتب برد، درد دل را به از درد، تسکین‌فزایی نبینم

(خاقانی، دیوان: ص۲۹۲)

که شاعر، درد را موجب آرامش و آسایش تصور کرده است؛ یعنی درد تسکین-افزاست. گاهی، عناصر متناقض‌نما در قالب دو جمله می‌آیند؛ یعنی، هنگامی که به دو جمله می‌نگریم، درمی‌یابیم که در تقابل با یکدیکر قرار دارند و یکدیگر را نقض می‌کنند؛ نظیر این بیت:

دیدهٔ ظاهر بدوز، بارگه آنک ببین جوشن صورت بدر، معرکه اینک درآ

(خاقانی، دیوان : ص ۳۵)

www.SID.ir

Archive of SID

در این بیت عناصر متناقض‌نما، در قالب دو جمله آمده‌اند و در هر دو مصراع مشاهده می‌شود که در واقع نوعی بیان پارادوکسی هست. متناقض‌نمایی در مصراع اول: دیدهٔ ظاهر بدوز، بارگه آنک ببین (چشم را ببند، آن گاه ببین). متناقض‌نمایی در مصراع دوم: جوشن صورت بدر، معرکه اینک درآ (یعنی، زره را پاره کن، آن گاه به میدان جنگ بیا) .

بررسی متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی

اینک، پس از بیان این مقدمات، به بررسی ساختمان متناقض‌نمایی(صور مختلف متناقض‌نمایی از نظر عناصر دستوری جمله) می‌پردازیم.

در این مقاله ابتدا ساختمان متناقض‌نمایی و انواع آن و سپس حوزه‌های شکل‌گیری آن در قصاید خاقانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و همراه با نمونه‌هایی از نظرتان می‌گذرد.

ساختمان متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی در سه بخش زیر قابل بررسی است که عبارت‌اند از:

متناقض‌نمایی به صورت ترکیب، متناقض‌نمایی میان عناصر یک جمله، متناقض‌نمایی میان دو جمله.

الف) متناقض‌نمایی به صورت ترکیب : این بخش از ساختمان متناقض‌نمایی در حوزه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- متناقض‌نمایی به صورت دو صفت

می، عاشق آسا، زرد به، همرنگ اهل درد به زرد صفاپرورد به، تلخ شکربار آمده
(خاقانی، دیوان: ص ۳۸۹)

«تلخ شکربار» یک ترکیب متناقض‌نماست که از دو صفت تشکیل شده است.

اصحاب کهف وارم، بیدار خفته ذات ممکن که سرز خواب مفاجا برآورم
(خاقانی، دیوان: ص ۲٤٦)

«بیدار خفته» یک ترکیب متناقض‌نماست که از دو صفت تشکیل شده است.

درساغرآن صهبا نگر، درکشتی‌آن دریانگر برخشک‌تر صحرانگر، کشتی به رفتارآمده
(خاقانی، دیوان: ص۳۸۹)

۲- متناقض‌نمایی به صورت موصوف و صفت

نوبر چرخ کهن، چیست به جز جام می؟ حامله‌ای ز آب خشک، آتش تر در شکم
(خاقانی، دیوان: ص۲٦۰)

www.SID.ir

Archive of SID

در این بیت (آب خشک و آتش تر) هر کدام یک ترکیب متناقض‌نماست که از یک اسم و یک صفت تشکیل شده‌اند.

دریای سینه موج زند، آب آتشین تا پیش کعبه، لولوی لالا برآورم

(خاقانی، دیوان: ص۲٤۷)

در این بیت (آب آتشین) یک ترکیب متناقض‌نماست که از یک اسم و یک صفت تشکیل شده است.

گاهی نیز، متناقض‌نما به صورت «ترکیب وصفی مقلوب» به کار می‌رود؛ نظیر ترکیب «آتشین آب» در بیت:

آتشین آب، از خوی خونین برانم تا به کعب کاسیاسنگ است برپای زمین پیمای من

(خاقانی، دیوان: ص۳۲۱)

۳- متناقض‌نمایی به صورت مضاف و مضاف الیه :

جز فقر، هر چه هست، همه نقش عاریه است اندر نگین فقر طلب نقش جاودان

(خاقانی، دیوان: ص۳۲۱)

در این بیت (نگین فقر) یک ترکیب متناقض‌نماست که از مضاف و مضاف‌الیه تشکیل شده است. متناقض‌نمایی آن از این جهت است که نگین نشانهٔ پادشاهی و توانگری است نه فقر و درویشی.

آن کعبهٔ محرم‌نشان، آن زمزم آتشفشان در کاخ مه، دامن‌کشان، یک مه به پرواز آمده

(خاقانی، دیوان: ص۳۹۰)

(زمزم آتشفشان) متناقض‌نمایی است به صورت ترکیب مضاف و مضاف الیه.

روش شناخت ترکیب به صورت دو صفت از ترکیب به صورت موصوف و صفت یا مضاف و مضاف‌الیه به این صورت است که اگر بتوان موصوفی، قبل از دو صفت تصور کرد، بیانگر این است که این ترکیب از دو صفت شکل گرفته و در گروه ۱ قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت در شماره‌های ۲ و ۳ می‌گنجد. نظیر ترکیب متناقض‌نمای (دیوانهٔ عاقل جان) در بیت:

بنگر که در این قطعه، چه سحر همی‌راند مهتوک مسبح دل، دیوانهٔ عاقل جان

(خاقانی، دیوان: ص۳٦۰)

www.SID.ir

Archive of SID

در این ترکیب متناقض‌نما، چون می‌توان قبل از آن موصوفی تصور کرد؛ ترکیب آن به صورت دو صفت می‌باشد. البته هر دو کلمه نیز از نظر نوع دستوری، صفت‌اند؛ هر چند دیوانه جانشین اسم شده است.

یا ترکیب‌های متناقض‌نمای (کشتگان زنده) و (ساکنان رهرو) در این بیت:

از کشتگان زنده، زآن سو، هزار مشهد وز ساکنان رهرو، زین سو، هزار معشر

(خاقانی، دیوان: ص۱۸۸)

در این بیت نیز دو ترکیب متناقض‌نما، از دو صفت تشکیل شده‌اند. زیرا می‌توان برای آنها یا قبل از آنها موصوفی تصور کرد؛ یعنی بگوییم (انسان کشته زنده) یا (انسان ساکن رهرو).

اما ترکیب متناقض‌نمای (زاد عدم) ترکیبی از دو اسم می‌باشد و چون نمی‌توان قبل از آن، موصوفی تصور کرد، متناقض‌نمایی به صورت ترکیب مضاف و مضاف‌الیه است:

زین دم معجزنمای مگذر، خاقانیا کز دم این دم، توان زاد عدم ساختن

(خاقانی، دیوان: ص۳٦۰)

ب) متناقض‌نمایی میان عناصر یک جمله: این بخش از ساختمان متناقض‌نمایی، در حوزه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- متناقض‌نمایی میان مسندالیه و مسند

«منظور از مسند، فعل یا حالتی یا هر امری است که به نهاد نسبت داده می‌شود اعم از این که، فعل ربطی باشد یا نباشد»:

از آتش حسرت بین بریان جگر دجله خود آب شنیدستی، کاتش کندش بریان

(خاقانی، دیوان: ص۳۵۸)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم: (آب، از آتش حسرت بریان است).

چرخ را توقیع او حرز است چون او برکشد آن سعادت‌بخش مریخ زحل‌فش در وغا

(خاقانی، دیوان: ص۲۰)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم: (سعادت‌بخشی زحل که ستاره‌ای بی‌شگون و نامبارک است).

اینت، کشتی‌شکاف توفانی که از این سبز بادبان برخاست

(خاقانی، دیوان : ص ٦۲)

www.SID.ir

Archive of SID

متناقض‌نمایی: (بادبان، کشتی‌شکاف است). بادبان که همواره مایهٔ بی‌گزندی کشتی است و آن را به پیش می‌برد و از طوفان می‌رهاند، خود توفان‌آفرین و مایهٔ نابودی کشتی شده است.

دلی طلب کن، بیمار کردهٔ وحدت چو چشم دوست، که بیماری است عین شفا

(خاقانی، دیوان: ص۱۱)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم: (بیماری، عین شفا است)

۲- متناقض‌نمایی میان فعل و متمم

از حادثات، در صف آن صوفیان گریز کز بود، غمگنند و ز نابود، شادمان

(خاقانی، دیوان: ص۳۱۲)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم: (از بود، غمگین بودن، از نابود، شادمان بودن)

حرص، بی‌تیغ می‌کشد همه را پس همه جرم براجل منهید

(خاقانی، دیوان: ص۱۷۲)

متناقض‌نمایی در مصراع اول (بی‌تیغ کشتن).

در تموزم ببندد آب سرشک کز دمم باد مهرگان برخاست

(خاقانی، دیوان: ص ٦١)

متناقض‌نمایی در مصراع اول(یخ بستن اشک چشم، در گرمای تابستان).

خود دجله، چنان گرید، صد دجلهٔ خون گویی کز گرمی خونابش آتش چکد از مژگان

(خاقانی، دیوان: ص ۳۵۸)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم(چکیدن آتش از مژگان) .

۳- متناقض‌نمایی میان فعل و مفعول

در حال خاقانی نگر، بیمار آن خندان شکر زان چشم بیمار از نظر، چشم مداوا داشته

(خاقانی، دیوان: ص۳۸٤)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (مداوا را از چشم بیمار چشم داشتن).

خوشی عافیت، از تلخی دارو یابند تابش معنی، در ظلمت اسما بینند

(خاقانی، دیوان: ص۱۹۷)

www.SID.ir

Archive of SID

متناقض‌نمایی در مصراع اول و دوم (خوشی را از تلخی یافتن، تابش را در ظلمت دیدن).

ج) متناقض‌نمایی میان دو جمله

گاهی عناصر متناقض‌نما، به صورت جمله یا بیان پارادوکسی، یکدیگر را نقض می‌کنند و در قالب دو جمله می‌آیند. نظیر این بیت:

دیدهٔ ظاهر بدوز، بارگه آنک ببین جوشن صورت بدر، معرکه اینک در آ
(خاقانی، دیوان: ص۳۵)

در این بیت متناقض‌نمایی در قالب دو جمله است که در هر دو مصراع بیت مشاهده می‌شود.

متناقض‌نمایی در مصراع اول (دیده دوختن و آنگاه دیدن).

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (جوشن دریدن و به معرکه درآمدن).

زهی تحصیل دانایی، که‌سوی‌خود، شدم نادان که‌را استادانابود، چون‌من‌کرد نادانش
(خاقانی، دیوان: ص۲۱۰)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم(استاد دانا بود، مرا نادان کرد).

استاد دانا بود= مرا نادان کرد متناقض‌نمایی میان دو جمله

خواب تو می‌نشاندم، بر سر آتش هوس کان همه مشک بر سرت، وین همه مغز را تری
(خاقانی، دیوان: ص ٤٢٦)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (مشک بر سردارد، تر مغز و روشن‌رای است)؛ زیرا بهره بردن از مشک، سبب خشک مغزی می‌شود نه تر مغزی و روشن‌رایی.

شکل‌گیری پارادوکس در عناصر بیانی

متناقض‌نمایی غالباً در قالب یک کلام ادبی شکل می‌گیرد. در قصاید خاقانی بیشتر در استعاره، تشبیه، اغراق و عناصر زبانی ظاهر می‌شود و ارزش هنری آن در این است که با صور خیال یا صنایع ادبی دیگر همراه است و موجب ایجاز، برجستگی هنری، ابهام و آشنایی‌زدایی می‌شود و بر زیبایی و اثربخشی آن می‌افزاید. شکل‌گیری متناقض‌نمایی در حوزه‌های مذکور بیشتر در مواردی است که غرض شاعر بیان حدیث نفس، توصیف، تأکید و ... باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۱- متناقض‌نمایی در حوزهٔ استعاره

چرخ را توقیع او حرز است، چون او برکشد آن سعادت‌بخش مریخ زحل‌فش، در وغا
(خاقانی، دیوان: ص۲۰)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (سعادت‌بخشی زحل)؛ زیرا زحل (کیوان) ستاره‌ای نحس و بی‌شگون است و عبارت «سعادت‌بخش مریخ زحل‌فش» استعاره از شمشیر ممدوح می‌باشد (برای توصیف).

آن عده‌دار بکر طلب کن که روح را آبستنی به مریم عذرا برافکند
(خاقانی، دیوان: ص۱۳٤)

متناقض‌نمایی در مصراع اول (عده داربکر) استعاره از باده است(برای توصیف).

نوبر چرخ کهن، چیست به جز جام می؟ حامله‌ای ز آب خشک، آتش تر در شکم
(خاقانی، دیوان: ص۲٦۰)

عوامل متناقض‌نمایی در مصراع دوم (آب خشک) و (آتش تر) هر دو در حوزهٔ استعاره شکل گرفته‌اند. «آب خشک» استعاره از جام بلورین و «آتش تر» استعاره از باده است(برای توصیف).

درساغر آن صهبا نگر، درکشتی آن دریا نگر برخشک تر صحرا نگر، کشتی به رفتار آمده
(خاقانی، دیوان: ص ۳۸۹)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (خشک تر صحرا) استعاره از دست ساقی یا باده‌نوش است. دست به صحرایی مانند شده است که از سویی خشک و از سوی دیگر، تر است(برای توصیف).

متناقض‌نمایی در مصراع دوم(کشتی بر خشک راندن) در حوزهٔ استعاره است. از کشتی، پیاله خواسته شده است.

٤- متناقض‌نمایی در حوزهٔ تشبیه

نامرادی است چو معلوم امید دست ندهد، طلب آن چه کنم؟
(خاقانی، دیوان: ص ۱۷۲)

متناقض‌نمایی در مصراع اول: (امید، نقدینه‌ای جز ناکامی (نامرادی) ندارد. نامرادی به معلوم (دارایی و مال) مانند شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

دلی طلب کن، بیمار کردهٔ وحدت چو چشم دوست، که بیماری است عین شفا
(خاقانی، دیوان: ص ۱۱)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم: (بیماری، عین شفا است) که در حوزهٔ تشبیه بلیغ شکل گرفته است(جهت تأکید).

در کوی حیرتی که همه عین آگهی‌ست نادان نمایم ودم دانا برآورم
(خاقانی، دیوان: ص ۲٤٤)

متناقض‌نمایی در مصراع اول: (کوی حیرت، عین آگهی است) در حوزهٔ تشبیه بلیغ شکل گرفته است(جهت تأکید).

دف هلال بدر شکل و در شکارستان او از حمل تا ثور و جدیش، کاروان انگیخته
(خاقانی، دیوان: ص ۳۹٤)

متناقض‌نمایی در مصراع اول (هلال بدر شکل) در حوزهٔ تشبیه شکل گرفته است (تشبیه هلال به بدر)(برای بیان توصیف).

۱- متناقض‌نمایی در حوزهٔ اغراق

در تموزم ببندد آب سرشک کز دمم باد مهرگان برخاست
(خاقانی، دیوان: ص٦۱)

متناقض‌نمایی در مصراع اول (یخ بستن اشک چشم در گرمای تابستان) در حوزهٔ اغراق شکل گرفته است(برای بیان حدیث نفس).

از آتش حسرت بین، بریان جگر دجله خود آب شنیدستی کاتش کندش بریان
(خاقانی، دیوان: ص٦۱)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (آب از آتش حسرت، بریان است) در حوزهٔ اغراق شکل گرفته است. البته شاعرآن را برای بیان تعجب و شگفتی به کار برده است(برای بیان تأکید).

تا خط بغداد ساغر، دوستکانی خورده‌ام دوستان را، دجله‌ای در جرعه‌دان آورده‌ام
(خاقانی، دیوان: ص۲۵٦)

متناقض‌نمایی در مصراع دوم (دجله را در جرعه‌دان آوردن) در حوزهٔ اغراق شکل گرفته است(برای بیان حدیث نفس).

www.SID.ir

Archive of SID

۳- متناقض‌نمایی در حوزهٔ عناصر زبانی

از کشتگان زنده، زآن سو، هزار مشهد وزساکنان رهرو، زین سو، هزار معشر
(خاقانی، دیوان: ص۱۸۸)

عوامل متناقض‌نمایی در مصراع اول: (کشتگان زنده) و متناقض‌نمایی در مصراع دوم (ساکنان رهرو).

هر دو در حوزهٔ عناصر زبانی شکل گرفته‌اند(برای توصیف).

اصحاب کهف وارم، بیدار خفته ذات ممکن که سرزخواب مفاجا برآورم
(خاقانی، دیوان: ص۲٤٦)

متناقض‌نمایی در مصراع اول(بیدار خفته) در حوزهٔ عناصر زبانی ایجاد شده است(برای بیان حدیث نفس).

بی‌زبانان، بر زبان بی‌زبانی، شکر حق گفته وقت کشتن و حق را زبان‌دان دیده‌اند
(خاقانی، دیوان: ص ۹٤)

متناقض‌نمایی در مصراع اول (زبان بی‌زبانی) حاصل از عناصر زبانی است(جهت تأکید).

زین دم معجزنمای، مگذر خاقانیا کزدم این دم توان زاد عدم ساختن
(خاقانی، دیوان: ص ۳۱٦)

متناض‌نمایی در مصراع دوم: (زاد عدم) در حوزهٔ عناصر زبانی شکل گرفته است(برای بیان حدیث نفس).

نتیجه‌گیری

متناقض‌نمایی، یکی از عوامل زیبایی و شگفتی‌آفرینی است که در هر دو شکل خود (بیان و تصویر پارادوکسی) یکی از عوامل تشکیل دهندهٔ «موسیقی معنوی» شعر خاقانی است. در حقیقت، خاقانی از این امکان زبانی، برای برجسته‌سازی معنایی، دو بعدی بودن کلام، ابهام و ایجاز در کلام خود بهره می‌جوید. میل به هنجارشکنی زبان و مخصوصاً ذهن عادت‌ستیز و وسعت خیال شاعر دلایل عمدهٔ کاربرد این شگرد بیانی در قصاید خاقانی هستند؛ به خصوص در مواردی که غرض شاعر بیان حدیث نفس، تأکید، توصیف و ... باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

علت ایجاد تصویر یا بیان پارادوکسی، در قصاید خاقانی، خیال پیچیدهٔ ذهنی اوست. استفادهٔ شاعر از این امکان زبانی، حاکی از طبع، تخیل، ذوق پویا، اندرون پرتلاطم و بعضاً ذهن عادت‌ستیز اوست.

ساختمان متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی به سه صورت به کار رفته است که عبارت‌اند از:

۱- متناقض‌نمایی به صورت ترکیب ۲- متناقض‌نمایی میان عناصر یک جمله ۳- متناقض‌نمایی میان دو جمله

متناقض‌نمایی به صورت ترکیب در قصاید خاقانی به صورت ترکیب دو صفت، موصوف و صفت، مضاف و مضاف‌الیه و متناقض‌نمایی میان عناصر یک جمله نیز به صورت متناقض‌نمایی میان مسندالیه و مسند، متناقض‌نمایی میان فعل و متمم، متناقض-نمایی میان فعل و مفعول به کار رفته است. ضمن آن که متناقض‌نمایی میان دو جمله، به صورت بیان پارادوکسی آمده است. شکل‌گیری حوزه‌های متناقض‌نمایی در قصاید خاقانی در حوزه‌هایی چون اغراق، استعاره، تشبیه و عناصر زبانی است. چون در قالب یک کلام ادبی شکل گرفته و با صور خیال دیگر همراه است بنابراین دارای ارزش هنری و زیبایی شناختی است.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱- بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر.(۱۳٦۸) *دیوان بیدل*، تصحیح فال محمد خسته و خلیل‌الله خلیلی، به اهتمام حسین آهی، کتابفروشی فروغی، چاپ دوم، تهران.

۲- چناری، امیر.(۱۳۷۷) *متناقض‌نمایی در شعر فارسی*، فرزان روز، چاپ اول.

۳- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد.(۱۳٦۲)*دیوان حافظ*، تصحیح علامه قزوینی و قاسم غنی، انتشارات زوار، چاپ چهارم.

٤- حسن‌لی، کاووس. (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷) «*آمیزش ناسازها*»، ادبیات معاصر، شمارهٔ ۲۳و ۲٤.

۵-_____. (خرداد و تیر ۱۳۷۷) شمارهٔ ۲۵و۲٦، سال سوم.

٦- داد، سیما. (۱۳۷۱) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران، مروارید.

۷- دیچر، دیوید. (۱۳٦٦) *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمهٔ دکتر غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران.

۸- راستگو، سید محمد.(۱۳٦۸) «*خلاف آمد*»،کیهان فرهنگی، شمارهٔ ۹، سال ششم.

۹- سجادی، سید ضیاءالدین.(۱۳۸۲) *دیوان خاقانی شروانی*، تهران، زوار، چاپ هفتم.

۱۰- سنایی، ابوالمجد مجدود ابن آدم.(۱۳٦۲) *دیوان سنایی*، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات سنایی، چاپ سوم.

۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا.(۱۳۷۱) *شاعر آینه‌ها*، آگاه، چاپ سوم.

۱۲- _____. (۱۳۷۳) *موسیقی شعر*، آگاه، چاپ چهارم.

۱۳- شمیسا، سیروس.(۱۳۷٤) *کلیات سبک‌شناسی*، تهران، فردوس، چاپ سوم.

۱٤-عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین .(۱۳٦٦)*دیوان عطار*، تصحیح تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران.

۱۵- فتوحی رود معجنی، محمود.(۱۳۷۹) *نقد خیال، نقد ادبی در سبک هندی*، تهران، نشر روزگار.

۱٦- کزازی، میرجلال‌الدین.(۱۳٦۸) *رؤیا، حماسه و اسطوره*، نشر مرکز، چاپ دوم.

۱۷- _____.(۱۳۷٤) *زیبایی‌شناسی سخن پارسی(بدیع)*، کتاب ماه،(وابسته به نشر مرکز)، چاپ سوم.

۱۸- مقدادی، بهرام.(۱۳۷۸) *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر*، جلد اول، تهران، فکر روز.

۱۹- مولوی، جلال‌الدین محمد.(۱۳۳٦) کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

۲۰- میرصادقی، میمنت.(۱۳۷٦) *واژه‌نامهٔ هنر شاعری*، مهناز، چاپ دوم.

۲۱- وحیدیان کامیار، تقی.(۱۳۷۹) *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*، تهران، دوستان، چاپ اول.

www.SID.ir